



درآمد

شیخ مصطفی مصری، که منشی شهید چمران در مدرسه جبل عامل بود، او اکنون مسئول دفتر شهید چمران در لبنان است. گفت و گو با او که از نزدیک شمع وجود چمران را لمس کرده است و در پرتو نورانی وی مدتی زیسته است، فرصتی بود تا از نظرات او درباره یکی از حساس ترین دوران مبارزات شهید دکتر چمران در لبنان مطلع شویم.

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین شیخ مصطفی مصری،
همرزم و مسئول دفتر شهید چمران در لبنان

در آرزوی عدالت سوخت...

لطفا در ابتدا خودتان را معرفی بفرمایید.

مصطفی مصری اهل لبنان هستم، از شهر انصار در جنوب لبنان. تحصیلات اولیه ام را در شهر نجف اشرف گذراندم و از همان زمان تحصیلات حوزوی را شروع کردم.

چه زمانی مجدداً به لبنان بازگشتید؟

در سال ۱۹۷۵ میلادی بود که جنگ داخلی لبنان آغاز شده بود. نیاز مردم در آن برهه از زمان به وجود علمای دینی و افراد مذهبی موجب شد که پدرم به لبنان بازگردد. آن زمان مردم لبنان از وجود جناح‌های چپ یعنی کمونیست‌ها و ملی‌گراها که با سازمان‌های فلسطینی آن زمان در ارتباط بودند، رنج می‌بردند. از سوی دیگر احزاب راست یعنی احزاب مسیحی که با اسرائیل همکاری می‌کردند بر سختی‌ها و مشکلات مردم دامن می‌زدند.

در آن زمان شهید چمران در لبنان به سر می‌بردند؟

بله! شهید چمران پنج سال قبل وارد لبنان شده و در آن زمان مسوولیت سازمان مرکزی جنبش محرومین و شاخه نظامی آن که به نام «امل» معروف بود را برعهده داشتند.

اولین برخوردی که با شهید چمران داشتید، چه موقعی بود؟

من در کلاسهای عقیدتی - سیاسی شهید چمران که به طور هفتگی تشکیل می‌شد، شرکت می‌کردم. اما رابطه صمیمی ما از زمانی شروع شد که یک درگیری مسلحانه در شهر (در سال ۱۹۷۶ میلادی) میان سازمان امل و حزب کمونیست‌های لبنان به وجود آمد. در طی این درگیری پدرم مورد اصابت گلوله‌های فراوانی قرار گرفته بود به طوری که لباسش پر از سوراخ شده بود. شهید چمران به منزل ما آمد تا آن لباس را به عنوان یادگاری بگیرد. آن زمان وقتی فهمید من در رشته مدیریت کار در لبنان تحصیل نموده‌ام از من خواست تا در موسسه فنی و حرفه‌ای جبل عامل به عنوان

دفتردار و منشی او با وی همکاری کنم.

عمده کارهایی که شهید چمران در مدرسه جبل عامل داشت، چه بود؟

این مدرسه، آن زمان مرکز و نقطه شروع برای تمام کارها و فعالیت‌ها به شمار می‌آمد و از لحاظ تربیتی مدرسه‌ای بود که ۵۰۰ دانش آموز در آن تحصیل می‌کردند که اکثراً از ایتم و مستمندان بودند و در همین مدرسه شبانه روز خود را سپری می‌کردند. در همان زمان مدرسه به عنوان مرکزی برای تمامی فعالیت‌های جنبش امل در سطح جنوب لبنان بود، یعنی فرماندهی تمامی فعالیت‌های سیاسی و نظامی

من در کلاسهای عقیدتی - سیاسی شهید چمران که به طور هفتگی تشکیل می‌شد، شرکت می‌کردم. اما رابطه صمیمی ما از زمانی شروع شد که یک درگیری مسلحانه در شهر (در سال ۱۹۷۶ میلادی) میان سازمان امل و حزب کمونیست‌های لبنان به وجود آمد.

جنبش را شهید چمران در این مدرسه به عهده داشت. زمانی که درگیری نظامی به وجود آمد، شهید چمران در مدرسه اعلام می‌کرد که به تعدادی رزمندگان «امل» نیاز دارد. به خاطر دارم که اتومبیل شهید چمران در آن زمان مقرر فرماندهی سیار می‌شد البته کارهای فرهنگی و عقیدتی زیادی در این مدرسه صورت می‌گرفت که شامل تمام اقشار

جامعه می‌شد.

از ابتکارات شهید چمران در مدرسه بگویید.

الآن هر کسی وارد مدرسه بشود بسیاری از ابتکارات او را مشاهده خواهد کرد. یک فواره زیبا با سنگ‌های ریز در مقابل جایگاه نگهبان مدرسه با کمک دانش‌آموزان ساخته بود که از نگهبانان در مقابل حملات و اصابت گلوله محافظت می‌کرد و زیبایی خاصی را هم در محوطه ایجاد کرده بود. یک آدم آهنی هم خاطر م هست که ساخته بود که خیلی آرام و مستمر روی زمین حرکت می‌کرد که الان هم موجود است یا زمین بازی که بی هیچ ابزاری و تنها با دستش آن را برای بچه‌ها درست کرد. اکثر ساختمان‌های مدرسه را بدون بنا و مهندس، خودش با کمک دانش‌آموزان می‌ساخت.

رفتار شهید چمران با دانش‌آموزان بخصوص دانش‌آموزانی که احیاناً اشتباه می‌کردند، چگونه بود؟

او برای دانش‌آموزانش مثل پسر می‌ماند. او پی‌گیر تمام کارهای آنها بود، مراقب غذا خوردنشان، محل خوابشان و... خودش همیشه در صف، بین بچه‌ها قاشق و بشقاب به دست می‌گرفت برای غذا گرفتن همیشه با بچه‌ها بود. با آنها بازی و ورزش می‌کرد اما در مورد دانش‌آموزان خطاکار هرگز شخصاً کسی را تنبیه نکرد. روش تربیتی او، مشاوره بود. گاهی یک ربع الی یک ساعت با دانش‌آموز صحبت می‌کرد و کاملاً او را تحت تاثیر قرار می‌داد به طوری که این تغییر در شخصیت او کاملاً محسوس بود.

بارزترین ویژگی شهید چمران چه بود؟

دکتر چمران صفات و ویژگی‌هایی داشت که منحصر به فرد بود و من را خیلی تحت تاثیر قرار می‌داد. من نمونه این رفتارها را پس از او در هیچ‌کس ندیدم. وقتی با یک دید سطحی و ظاهری به رفتار وی بنگریم، خیلی از رفتارهای متضاد را در او خواهیم دید ولی او اندیشمندی است حامل یک پیام، زیستن علی‌گونه. گاهی اوقات که افرادی وارد



من از صحبت‌ها و رفتار دکتر فهمیدم که او تحت تاثیر شخصیت حضرت علی (ع) است و تحت تاثیر سیستم حکومتی او. او به منطقه طوری نگاه می‌کرد که گویا تمام این درد و رنج را حس می‌کند. یک چشم به ایران داشت و نگران اوضاع آن بود و از سوی دیگر درد بشریت داشت و نمی‌توانست فقط منحصر به ایران باشد، او در برابر مسئله حق و باطل مرز نمی‌شناخت.

کارهای پرستاری و اطلاعاتی حتی با خیلی کارهای دیگر، خانم غاده جابر هم از طریق آقای غروی با موسسه و دکتر آشنا شدند. ایشان حجاب مناسبی نداشتند اما افکار اسلامی داشتند و کتابشان به نام «زن در قیام امام حسین (ع)» دکتر را خیلی تحت تاثیر قرار داد بود. دکتر از من خواست با ایشان درباره حجاب صحبت کنم و او را قانع کنم، من یک روز تمام از ساعت ۸ صبح تا غروب خورشید و یک نصف روز با خانم غاده جابر درباره این مسئله صحبت کردم و بحث و مناظره کردیم و ایشان بالاخره قانع شد و من مجبوره شد. پس از این ماجرا دکتر از وی خواستگاری کرد.

کدام یک از آثار دکتر را می‌پسندید؟

متأسفانه آثار همه به فارسی هستند و من خیلی به فارسی مسلط نیستم، با این وجود همه کتابها را دارم و تا جایی که امکان دارد آنها را مطالعه می‌کنم. وضعیت مدرسه جبل عامل و امل و... الان چطور است؟ کاری که دکتر چمران درباره مدرسه کرد، بی نظیر است. این مدرسه هنوز موجود است اما نه به آن صورت قبلی که یک مدرسه عادی است و مدارس دیگری هم برای شیعیان در لبنان به وجود آمده است. ولی جبل عامل که شهید چمران اداره‌اش می‌کرد، چیز دیگری بود. البته در تجاوز دوم اسرائیل به لبنان (یعنی پس از شهادت دکتر چمران) باز هم این مدرسه مرکز فعالیت‌های نظامی بود. حرکت‌هایی که دکتر و امام صدر پایه‌گذاری کردند. خیلی از بزرگان لبنان الان از دانش آموزان همان مدرسه هستند، مثلاً آقای نبیه‌بری، رئیس مجلس نمایندگان.

آرزوی شهید چمران برای لبنان چه بود؟

همان آرزوهای امام موسی صدر، یعنی گسترش تشیع و حکومت عدل حضرت مهدی (عج) در سراسر دنیا و شروع این کار از کشور لبنان که کشوری بود کوچک اما با ملیت‌ها و مذاهب گوناگون کار راحت‌تری به نظر می‌رسید و تا حدودی هم این کار به ثمر نرسیده بود و موفقیت آمیز بود و دشمن این را خوب فهمید. مسئله ربه‌شدن امام موسی صدر و اخراج امام از عراق در همان زمان مسلماً تصادفی نبود. فکر می‌کنم اگر امام صدر ربه‌شد

نمی‌شد، امام خمینی قدس سره به لبنان می‌آمدند و به پاریس نمی‌رفتند.

در این صورت پیروزی حق بر باطل و گسترش تشیع در دنیا حتمی بود. **فکر می‌کنید ایرانی‌ها چمران را خوب شناخته‌اند یا لبنانی‌ها؟**

طبعاً لبنانی‌ها، چون با او و با فکر او و با روح او سال‌ها زندگی کرده‌اند. **آخرین باری که شهید چمران را دیدید چه هنگام بود؟**

همان ماه مبارک رمضان که امام موسی صدر ربه‌شد، دکتر چمران مرا برای ماموریتی به امارات متحده فرستاده بود که یک شب تماس گرفت، گفت مصطفی امام به لبی

موسسه می‌شدند که مسئله دار بودند در چشمان دکتر خیره می‌شدم و در آن خشونت می‌دیدم که از آن آبدیده سخت‌تر است. از سوی دیگر آنچنان با احساس بود و با عاطفه که از مادر به فرزند نزدیکتر می‌شد و با ارتباط برقرار می‌کرد و آنچنان تو را در آغوش می‌گرفت که گویی سال‌هاست تو را ندیده است، در حالی که فقط ساعتی کنارش نبوده‌ای و یک مسئله خیلی مهمتر اینکه کلمه ترس در قاموس او وجود نداشت. من در زمان حمله اسرائیل به لبنان کنار دکتر بودم و حالاتی از شجاعت او را می‌دیدم که با اشک‌های شبانه‌اش در یکجا جمع نمی‌شد.

دلیل آمدن شهید چمران به لبنان چه بود؟

من از صحبت‌ها و رفتار دکتر فهمیدم که او تحت تاثیر شخصیت حضرت علی (ع) است و تحت تاثیر سیستم حکومتی او. او به منطقه طوری نگاه می‌کرد که گویا تمام این درد و رنج را حس می‌کند. یک چشم به ایران داشت و نگران اوضاع آن بود و از سوی دیگر درد بشریت داشت و نمی‌توانست فقط منحصر به ایران باشد، او در برابر مسئله حق و باطل مرز نمی‌شناخت.

شهید چمران در لبنان برای ایران هم فعالیت خاصی داشت؟

بله، هم امام موسی صدر و هم شهید چمران. خود ما از طریق همین دو بزرگوار با ایران و تاریخ سیاسی آن آشنا شدیم. قبل از انقلاب دکتر بسیاری از رزمندگان لبنانی را برای مبارزه به ایران می‌برد و شهدای زیادی داریم از جمله شهید علی عباس و... فکر می‌کنم حدود ۶۰۰ نفر را برای این کار به ایران آورد. یا در جنگ عراق علیه ایران هم همبستور. افکار او ادامه افکار امام حسین (ع) بود. او برای مبارزه حد و مرز نمی‌شناخت.

از امام موسی صدر گفتید، بفرمایید رابطه شهید چمران با ایشان چطور بود و با مسئله ربه‌شدن ایشان چطور کنار آمد؟

شهید چمران ذوب در امام موسی صدر بود همانگونه که در امام خمینی قدس سره چنین بود. رابطه او با امام موسی صدر رابطه ماموم با امام بود و تسلیم محض او و شکیفته امام بود. ربه‌شدنش برای دکتر خیلی سخت و گران بود. همین قدر می‌دانم که اگر چمران زنده بود الان به سادگی از کنار این مسئله رد نمی‌شد. خاطرهم هست او یک نقاشی از امام موسی صدر کشیده بود که تصور او را در حال‌های از نور قرار داده بود، تیره‌های زیادی که به سمت او نشانه می‌رفت را به نماد اتهامات علیه او ترسیم کرده بود. او تصمیم داشت این عکس را همراه سالنامه سال جدید پخش کند که ایشان اجازه ندادند، چرا که دوست نداشتند علیه چمران حساسیت ایجاد شود.

از ازدواج شهید چمران بگوئید؟

آن زمان خانم‌های زیادی با موسسه همکاری داشتند.



سفر کرده ولی هنوز برنگشته است و خیلی نگران بود. بعد هم که شنیدم امام ربه‌شده است. بعد از مدتها که به لبنان برگشتم دکتر به ایران آمده بود و من دیگر هنوز نتوانستم او را ببینم.

بعد از سفر دکتر به ایران چه کسی فعالیت‌های ایشان را ادامه داد؟

در لبنان بعد از ربه‌شدن امام صدر یک سردرگمی به وجود آمده بود. شهید چمران چند ماهی به همین منوال سپری کرد و هنگامی هم که به ایران آمد به قصد ماندن نبود ولی وقتی حضرت امام از وی خواستند که بماند و وزارت دفاع را قبول کند چمران که گمشده‌اش را پس از امام صدر در وجود امام خمینی قدس سره یافته بود، قبول کرد. بعد هم دوستانش و مسئولان جنبش امل و مجلس شورای شیعه یعنی شاگردانش فعالیت‌های او را ادامه دادند.

چطور از شهادت مطلع شدید؟

لحظه‌ای که خبر شهادت از رادیو پخش می‌شد من روی نردبانی مشغول مرتب کردن قفسه کتابهایم بودم که به محض شنیدن خبر، کنترلم را از دست دادم و بیهوش شدم. شهادت دکتر شوک دومی بود که بعد از ربه‌شدن امام به مردم لبنان وارد شد. تا مدتها کسی باور نمی‌کرد این اتفاق افتاده و خیلی‌ها هم معتقد بودند دکتر را ترور کرده‌اند، اما با شناختی که من از او داشتم، می‌دانستم که همیشه در خط مقدم است و هیچ نیرویی جلوتر از او حق حرکت ندارد. برای چنین آدمی انتظار شهادت می‌رفت.

در حال حاضر جوانان لبنان از شهید چمران چه می‌دانند؟

نام و یاد او بر زبان کودکان هم جاری است با اینکه او را ندیده‌اند. آنجا در جنوب لبنان مدرسه به نام ایشان تأسیس شده است و خیلی از گروه‌های شناسایی به نام شهید چمران نامیده شده‌اند و جزو‌های که الان من در اختیار دارم کار دانش آموزان است که برای شهید چمران خیلی زیبا کار شده است. برای سالگرد او هم مناسبت‌ها و مراسم‌هایی در لبنان برگزار می‌شود.

با تشکر از اینکه وقت گرانبهاتان را در اختیار ما قرار دادید.

من هم برایتان آرزوی موفقیت می‌کنم بخصوص در راه زنده نگاه داشتن خاطره مردانی مثل چمران که نه در ایران و نه در لبنان و نه در هیچ جای دنیا نمونه و نظیر ندارند و در طول تاریخ هم او نظیری نخواهد داشت و این به خاطر ارتباط خاصشان با خداوند است که در او ذوب شده‌اند و اخلاص داشته‌اند. ■